

قال الله تعالى
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم الصالحين
الجميعين

بِسْمِ تَعَالَى



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رابطه اعتماد اجتماعی بکیران و اعتماد اجتماعی به طرح همدفندی یارانه (مطالعه ای در میان مسترئ بکیران بازنشسته تاسین اجتماعی شهر تهران)

نام و نام خانوادگی استاد راهنما: دکتر وصالئ

نام و نام خانوادگی استاد مشاور: دکتر خزار جریبی

نام و نام خانوادگی دانشجو: رضا دبقان زاده

رشته تحصیلی: برنامه ریزی رفاه اجتماعی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

زمستان ۱۳۹۰

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال بررسی عوامل مرتبط با اعتماد اجتماعی مستمری بگيران به طرح هدفمندی یارانه‌ها می باشد. در این تحقیق سعی شد تا با استفاده از نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری اعتماد (نظریات گیدنز، کلمن، پارسونز، زتومکا، وبر، زیمل و...) ارتباط نظری میان متغیرهای تحقیق فراهم شود و فرضیات تحقیق بر همین اساس مطرح گردید.

متغیرهای مستقل این تحقیق؛ احساس تبعیض، اعتماد به نهادهای دولتی، امنیت اجتماعی، پایداری به دین، اعتماد به رسانه‌ها، تصور فرد از دینداری مسئولان و پایگاه اقتصادی اجتماعی و متغیر وابسته، اعتماد به طرح هدفمندی یارانه‌ها که در قالب ۷ فرضیه اصلی و فرعی مورد بررسی قرار گرفت. بنا به ضرورت و مناسبت موضوع، از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق، مستمری بگيران بازنشسته تامین اجتماعی شهر تهران می باشد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و انتخاب نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفته است.

مهمترین نتایج تحقیق عبارتند از:

بین متغیر میزان اعتماد به هدفمندی یارانه‌ها و متغیرهای میزان اعتماد به نهادهای دولتی، طبقه اجتماعی، تصور فرد از دینداری مسئولان، احساس امنیت اجتماعی و میزان اعتماد به رسانه‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

اما بین متغیر میزان اعتماد به هدفمندی یارانه‌ها و متغیرهای میزان احساس تبعیض و میزان پایداری به دین در میان افراد رابطه معناداری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: اعتماد اجتماعی، هدفمندی یارانه‌ها، مستمری بگيران، امنیت اجتماعی، اعتماد به رسانه‌ها.

فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه.....	۲
۱-۱. طرح مسئله.....	۳
۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق:.....	۴
۳-۱. اهداف تحقیق.....	۹

فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

مقدمه.....	۱۱
۱-۱. مروری بر مفاهیم.....	۱۲
۱-۱-۲. مفهوم اعتماد.....	۱۲
۲-۱-۲. یارانہ (سوبسید).....	۱۸
۱-۲-۱. انواع یارانہ:.....	۱۹
۲-۱-۲. تاریخچه هدفمند کردن یارانہ ها.....	۲۰
۲-۲. مرور نظری.....	۲۳
۱-۲-۲. اشکال عمده اعتماد:.....	۲۴
در این بخش انواع اعتماد از دیدگاه نظریه پردازان مختلف چون اریکسون و گیدنز مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.....	۲۴
۱-۲-۲. اعتماد بنیادی (basic trust).....	۲۴
۲-۱-۲. اعتماد بین شخصی: (interpersonal trust).....	۲۴
۳-۱-۲. اعتماد تعمیم یافته.....	۲۵
۲-۲-۲. قانون، دولت و بیاعتمادی.....	۲۶
۳-۲-۲. فرهنگ سیاسی و اعتماد.....	۲۷
۴-۲-۲. کیفیت ساختار نظام و اعتماد.....	۲۹
۵-۲-۲. اعتماد به رسانه ها.....	۳۱
۶-۲-۲. جامعه بسته:.....	۳۳
۷-۲-۲. تبعیض و نژادپرستی.....	۳۴
۸-۲-۲. انجمن های مردمی:.....	۳۴

۳۴(social capital سرمایه اجتماعی ۹-۲-۲)
۳۸ نظریه‌پردازان اعتماد اجتماعی ۳-۲
۳۸ ۱-۳-۲ تونیس
۳۹ ۲-۳-۲ زیمل
۴۲ ۳-۳-۲ وبر
۴۳ ۴-۳-۲ جانسون
۴۵ ۵-۳-۲ لوهمان
۴۶ ۶-۳-۲ جیمز کلنن
۵۳ ۷-۳-۲ گیدنز
۵۸ ۱-۷-۳-۲ محیط‌های اعتماد و مخاطره
۵۹ ۲-۷-۳-۲ عناصر دخیل در اعتماد
۶۱ ۳-۷-۳-۲ محیط‌های اعتماد و مخاطره در فرهنگ‌های پیش از مدرن و مدرن
۶۲ ۴-۷-۳-۲ اعتماد بنیادی در دیدگاه گیدنز
۶۴ ۵-۷-۳-۲ اعتماد متقابل بین شخصی در دیدگاه گیدنز
۶۶ ۶-۷-۳-۲ اعتماد انتزاعی در دیدگاه گیدنز
۷۳ ۸-۳-۲ چلبی
۷۴ ۹-۳-۲ رودریک کرامر
۷۶ ۱۰-۳-۲ پیترز تومکا
۷۷ ۱۱-۳-۲ پارسونز
۷۷ ۱۲-۳-۲ امرسون و بلاو:
۷۸ ۱۳-۳-۲ هومنز
۷۸ ۴-۲ تحقیقات پیشین در ارتباط با موضوع تحقیق
۸۰ ۵-۲ چارچوب نظری تحقیق
۸۲ ۶-۲ فرضیات تحقیق
۸۳ ۷-۲ مدل نظری تحقیق:

فصل سوم: روش‌شناسی تحقیق

۸۵ مقدمه
----	-------------

۸۶	۱-۳. روش تحقیق
۸۶	۲-۳. تکنیک و ابزار گردآوری اطلاعات:
۸۶	۳-۳. جمعیت آماری
۸۷	۴-۳. حجم نمونه
۸۷	۵-۳. روش نمونه گیری
۸۸	۶-۳. واحد تحلیل:
۸۹	۷-۳. تعریف نظری و عملیاتی متغیرها
۸۹	۱-۷-۳. تعریف نظری و عملی متغیر وابسته
۹۰	۲-۷-۳. تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل
۹۶	۸-۳. اعتبار و پایایی
۹۸	۹-۳. تکنیک های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم: یافته های تحقیق

۱۰۰	مقدمه
۱۰۰	۱-۴-۱- یافته های توصیفی
۱۰۱	۴-۱-۱- ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان
۱۱۱	۴-۲-۲- یافته های تبیینی
۱۱۱	۴-۲-۱- به نظر می رسد بین اعتماد فرد به نهاد های دولتی و اعتماد اجتماعی به طرح هدفمند سازی یارانه ها رابطه معناداری وجود دارد.
۱۱۲	۴-۲-۲- به نظر می رسد بین جایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد و اعتماد اجتماعی آن به طرح هدفمند سازی یارانه ها رابطه معناداری وجود دارد.
۱۱۳	۴-۲-۳- به نظر می رسد بین تصور فرد از دینداری مسئولان طرح هدفمند سازی یارانه ها و اعتماد اجتماعی آن به این طرح رابطه معناداری وجود دارد.
۱۱۴	۴-۲-۴- به نظر می رسد بین احساس امنیت اجتماعی فرد و اعتماد اجتماعی به طرح هدفمند سازی یارانه ها ارتباط وجود دارد.
۱۱۵	۴-۲-۵- به نظر می رسد بین دینداری فرد و اعتماد اجتماعی به طرح هدفمند سازی یارانه ها رابطه معناداری وجود دارد.

۶-۲-۴- به نظر می رسد بین اعتماد رسانه ها و اعتماد اجتماعی به طرح هدفمند سازی یارانه ها ارتباط معناداری وجود دارد.....	۱۱۶
_Toc۳۲۷۵۵۴۰۱۸	

۷-۲-۴- به نظر می رسد بین احساس تبعیض فرد و اعتماد اجتماعی به طرح هدفمند سازی یارانه ها ارتباط معناداری وجود دارد.....	۱۱۷
--	-----

فصل پنجم: جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

مقدمه	۱۱۹
۱-۵- جمع بندی یافته های توصیفی:	۱۲۰
۲-۵- جمع بندی یافته های تبیینی:	۱۲۱
۳-۵- نتیجه گیری	۱۲۴
۴-۵- پیشنهادها	۱۲۶
۵-۵- مشکلات و محدودیت های تحقیق	۱۲۷
منابع و مأخذ	۱۲۸

پیوست

فهرست جداول

جدول شماره ۱-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس	۱۰۱
جدول شماره ۲-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل	۱۰۲
جدول شماره ۳-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات	۱۰۳
جدول شماره ۴-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان احساس تبعیض	۱۰۴
جدول شماره ۵-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به رسانه	۱۰۵
جدول شماره ۶-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد به هدفمندی یارانه ها	۱۰۶
جدول شماره ۷-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان دینداری پاسخگویان	۱۰۷
جدول شماره ۸-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب احساس امنیت اجتماعی	۱۰۸
جدول شماره ۹-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تصور فرد از دینداری مسئولان	۱۰۹
جدول شماره ۱۰-۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب طبقه اجتماعی	۱۱۰

-
- جدول شماره ۴-۱۱: بررسی رابطه میزان اعتماد به هدفمندی یارانه ها و اعتماد به نهادهای دولتی ۱۱۱
- جدول شماره ۴-۱۲: بررسی رابطه میزان اعتماد به هدفمندی یارانه ها و طبقه اجتماعی ۱۱۲
- جدول شماره ۴-۱۳: بررسی رابطه میزان اعتماد به هدفمندی یارانه ها و تصور فرد از دینداری مسئولان ۱۱۳
- جدول شماره ۴-۱۴: بررسی رابطه میزان اعتماد به هدفمندی یارانه ها و احساس امنیت اجتماعی ۱۱۴
- جدول شماره ۴-۱۵: بررسی رابطه میزان اعتماد به هدفمندی یارانه ها و میزان پایبندی به دین ۱۱۵
- جدول شماره ۴-۱۶: بررسی رابطه میزان اعتماد به هدفمندی یارانه ها و میزان اعتماد به رسانه ۱۱۶
- جدول شماره ۴-۱۷: بررسی رابطه میزان اعتماد به هدفمندی یارانه ها و میزان احساس تبعیض ۱۱۷

فصل اول:

کلیات تحقیق

مقدمه

پس از بروز ایده‌ی جامعه‌ی مدنی در ایران و بحث‌هایی به طرفداری یا مخالفت با آن، چندی است که سرمایه اجتماعی نیز توجه عده‌ای از اندیشمندان را به خود جلب کرده است. این دو مفهوم که چندین دهه است در ادبیات علوم اجتماعی غرب، جای خود را باز کرده است در کشوری که هنوز درگیر و دار گذار به توسعه در همه وجوه آن است، آن چنان جذابیتی را برانگیخته که به گمان عده‌ای از متفکران، پاسخگوی تحلیل دلایل عدم توسعه یافتگی و یا گذار طولانی مدت ایران به توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

سرمایه اجتماعی به مثابه یک مفهوم، بر خلاف برداشت عمومی‌ای که از کلمه سرمایه در ذهن متبادر می‌شود، وجهه بارز عینی اندکی که در دنیای واقعیتهای اجتماعی قابل شناسایی باشد، دارد. این نوع از سرمایه در نخستین نهاد اجتماعی، به مثابه چارچوبی که به ارث می‌رسد و محصول توالی تاریخی است ظهور می‌کند. افراد متولد شده در خانواده، حاملان این نوع از سرمایه‌اند؛ حاملانی که با وجود اینکه نقشی کم‌رنگ در ایجاد این نوع از سرمایه دارند اما می‌توانند آن را حفظ و تقویت کنند یا اینکه آنرا به اضمحلال بکشانند.

اعتماد در کودک، در درون نهاد خانواده شکل می‌گیرد و در او نهادینه می‌شود. در مرحله بعد، این مفهوم در گروه همسالان و در فضایی خارج از خانواده اما با نظارت کم و بیش آن، قابل ردیابی است. این کودک رو به رشد و حامل این سرمایه، در ارتباط با همسالان خود، می‌تواند این سرمایه را تقویت یا تضعیف کند. در این مرحله نقش نهادهای اجتماعی که وظیفه آموزش کودک را به عهده دارند از برجستگی خاص برخوردار است. رسانه‌های جمعی نیز در این امر موثرند. کودک رشد یافته در چارچوب روابطی که در اطرافش شکل گرفته، توان گزینش، تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی را پیدا می‌کند.

با این توضیحات، تحقیق حاضر به بررسی «اعتماد اجتماعی به طرح هدفمندی یارانه‌ها» می‌پردازد.

۱-۱. طرح مسئله

مسئله اعتماد را می‌توان موضوعی کانونی و تأثیرگذار بر مسایل جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر کشور قلمداد کرد و اعتماد سازی و افزایش اعتماد به عنوان عاملی مهم در زمینه سازی و ایجاد فضای لازم برای تربیت و پرورش سرمایه انسانی و مهم تر از آن حفظ میراث انسانی در کشور امری انکار ناپذیر است. با این حال شواهد بسیاری دلالت بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص گرا در روابط کنشگران در تمام سطوح در ایران دارد. (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۷)

ویژگی های خاص و تغییرات اقتصادی-اجتماعی وسیع بستر بی اعتمادی فزاینده را در کشور پدید آورده است. اجرای سیاست های تعدیل ساختاری در کشور به فرآیندی «بر ضد خود» نیز منجر شد. افزایش انتظارات و وعده های بی شمار سبب بزرگنمایی ضعف‌ها و اختلالاتی گردید که برای جامعه تازه انقلاب کرده و از طوفان جنگ‌های یافته ایران حتی بدیهی و عادی می‌توانست قلمداد شود. این مسئله نیز به جدایی میان اقشار ملت هم به صورتی درونی و هم به صورت بیرونی و با ساختارهای اداری آن منتهی شد. از طرف دیگر، گسترش مصرف رسانه‌ها و افزایش میزان استفاده از آن‌ها و همچنین حضور رقبا و بدیل‌های بسیار قدرتمند برای رسانه‌های وطنی از یک سو و ضعف در برنامه سازی‌های اقناعی از سوی دیگر، روند اجتماعی شدن و اعتماد سازی را دچار خلل می‌سازد. دشواری‌های معیشتی و شواهد دال بر بی‌عدالتی اقتصادی و اجتماعی احساس عدالت اجتماعی را خدشه دار ساخته است. افزون بر آن پنداشت مردم از عدالت نیز رویه‌ای تساوی طلبانه و برابری خواه بدون توجه به استعدادها و لیاقت‌ها است.

افزایش جرایم و آسیب‌های اجتماعی حداقل در دوره‌های خاصی پس از وقوع انقلاب اسلامی که دلایل و ریشه‌های متعددی نظیر سستی و عملکرد ضعیف مراجع قانونی و انتظامی؛ تغییرات شدید جمعیتی و عدم پتانسیل مطلوب اجتماعی برای جذب افواج جمعیت تازه از راه رسیده دارد، خود عاملی بر فزونی گرفتن بی‌اعتمادی در ایران است. به تعبیر بشیریه، شرایط تاریخی و ساخت قدرت عمودی و آمرانه ناشی از تداوم حکومت استبدادی در ایران شرایطی را به وجود آورده است که می‌توان آن را «فرهنگ سیاسی تابعیت» قلمداد نمود. در فرهنگ سیاسی تابعیت، رفتارهای افراد ترکیبی است از فرصت طلبی، انفعال و کناره‌گیری، اعتراض سرپوشیده و ترس. چنین فرهنگی توانایی افراد را در همکاری و اعتماد به یکدیگر تضعیف می‌کند (همان: ۷۸-۷۹).

این در حالی است که گسترش شهرنشینی، ایجاد عرصه‌های جدید اشتغال، فعالیت اجتماعی و روابط اقتصادی-اجتماعی، برنامه‌های کلان‌کشوری و ... و در نتیجه افزایش فزاینده تعامل با افرادی

خارج از محورهای خویشاوندی و بویژه با نهادهای دولتی و نظایر آن نیاز به اعتماد اجتماعی را در تمام سطوح و ابعاد جدی‌تر ساخته است. از اینرو، در شرایط اقتصادی حال حاضر ایران که جایی برای آزمایش و خطا باقی نگذاشته است، مسئله‌ی اعتماد مردم به طرح‌های کلان‌کشوری به مسئله‌ای دغدغه‌ساز و مهم مبدل کرده است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق:

وضعیت اقتصادی کشور، علی‌الخصوص پس از انقلاب اسلامی بطور غیر قابل‌تصور با موضوع یارانه در هم تنیده شده است. پرداخت یارانه در درازمدت و خصوصاً زمانیکه هدفمند نبوده و یا اهداف از پیش تعیین شده آن محقق نگردد لطمات جبران‌ناپذیری به اقتصاد هر کشوری وارد می‌کند. پرداخت یارانه‌ها از جمله راه‌های انتقال درآمد است که به طور عمده به منظور حمایت از اقشار کم‌درآمد و بهبود توزیع درآمد صورت می‌گیرد، امروزه بنا به دلایل محدودیت بودجه و منابع کمیاب در کشورهای در حال توسعه، و عدم تأمین نیازهای اساسی گروه‌های فقیر، هدفمندسازی پرداخت یارانه به گروه‌های هدف، مورد توجه واقع شده است اکثر کشورهای پرداخت یارانه را به منظور افزایش قدرت خرید مصرف‌کننده و یا کاهش هزینه‌های تولید انجام می‌دهند که این موضوع در کشور ما، تبدیل به پنهان‌سازی نقاط ضعف کالاها و عدم کیفیت آن با کمک‌های دولتی و یارانه‌هاست.

در ایران هدف اصلی از پرداخت یارانه‌ها، خصوصاً پس از انقلاب، کمک به توزیع عادلانه ثروت بین آحاد مردم بوده است، لیکن بررسی عملکرد اقتصادی طی سه دهه بعد از انقلاب آن را تایید نمی‌کند زیرا به دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب دولت بر نحوه توزیع یارانه، در بخش‌هایی، سهم استفاده‌افراد پر درآمد از یارانه‌های دولتی چندین برابر افراد کم‌درآمد بوده است.

همچنین «بررسی آماری نشان می‌دهد که طی سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۱، به طور متوسط ۷۸/۳۴ درصد کل مخارج یارانه‌ای به بخش مصرف، ۱۷/۷۱ درصد به بخش تولید کالاهای کشاورزی، ۰/۶۸ درصد به تولید کالاهای صنعتی و ۳/۲۵ درصد به بخش خدمات اختصاص یافته است. در بخش مصرف که بیشترین سهم مخارج یارانه‌ای را به خود اختصاص داده است، طی دوره ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۲، توزیع سهم یارانه کالاهای اساسی غذایی، به طور متوسط نشان‌دهنده سهم ۷۵ درصدی گندم (نان)، سهم ۱۳ درصدی گروه برنج، روغن و قند شکر و سهم ۱۲ درصدی گروه شیر، پنیر، گوشت و خدمات است. با توجه به این ترکیب، طی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب، می‌توان گفت که بخش اصلی

روش پرداخت یارانه ها در کشور ترکیبی از نظام قیمتی عمومی و کالا برگی بوده است که با توجه به سهم مسلط یارانه گندم (نان) وزن قالب با نظام قیمتی است. در مجموع ۳۹ قلم کالا در کشور قیمت گذاری و کنترل می شوند. در این میان قیمت برق، آب و سوخت را مجلس و قیمت سایر کالاها، مانند نان، برنج، شکر، روغن خوراکی، شیر خشک، دارو، مواد پاک کننده، کاغذ، روزنامه، کودهای شیمیایی، و غیره را «سازمان حمایت از مصرف کننده و تولید کننده تعیین می کنند.» (حسینی و مالکی، ۱۳۸۴: ۲۴)

در مجموع بخش اصلی یارانه در کشور به صورت همگانی پرداخت می شود و ساز و کار قیمت ها را دچار اختلال می کند. ضمن اینکه، میزان هدفمندی نظام موجود بسیار پایین است، از طرفی در بخش های چون گندم (آرد)، دولت در عمل درگیر توزیع کالایی شده که هزینه هایی اجرایی آن بسیار بالا است. «به لحاظ اجرایی، علاوه بر وزارت بازرگانی، متولی اصلی یارانه کالاها اساسی که نزدیک به ۳۷ درصد منابع مالی حمایت را اعطا می کند، حداقل ۱۴ دستگاه اجرایی دیگر درگیر امر حمایت هستند و ۶۳ درصد منابع مالی حمایت را به خود اختصاص می دهند.» (همان) با وجود چنین شرایطی است که اصلاح نظام توزیع یارانه ها به امری ضروری در کشور بدل گشته است.

اما نباید فراموش کرد که مردم یک طرف قوی بازی سیاست اجتماعی هستند. راهبرد «تسهیل مشارکت در تصمیم گیری» مبین آن است که انتخاب و اجرای سیاست ها برای بهبود وضع فقرا، نیاز به همیاری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد. اگر توده مردم درگیر باشند، توسعه با سرعتی بیشتر اما نه لزوماً فوری، به بار خواهد نشست. فرایند توسعه، اغلب فرایندی رنج آور و دشوار است؛ تا همه مردم (در قالب شبکه ها، تشکل ها و انجمن های مدنی-سیاسی-اقتصادی) با آگاهی همگانی از تغییرات و نیاز به مطابقت با آن، در امر توسعه مشارکت جدی نداشته باشند، رسیدن به اهداف توسعه ای جامعه امکان پذیر نیست. «در صورتی که تشکل ها و انجمن ها و کلا گروه های موجود در عرصه جامعه مدنی دارای توان، آگاهی و سازماندهی مناسب باشند و در یک کلام، نهادهای جامعه مدنی از صلابت و قدرت زیادی در سطوح مختلف جامعه برخوردار باشند، فرایند توسعه یافتگی در آن کشور، با کمترین ناهنجاری و فساد و با موفقیت بیشتری همراه خواهد بود.» (عطاری، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

میزان دسترسی به فرصت های بازاری و خدمات عمومی در بیشتر موارد از اختیارات دولت و نهادهای اجتماعی نشأت می گیرد که باید نسبت به افراد فقیر پاسخگو و مسئول باشند. دسترسی، پاسخگویی و مسئولیت شناسی نیاز به همکاری و همیاری فعال گروه های فقیر با اقشار متوسط و دیگر طبقه های اجتماعی دارد. این همکاری فعال می تواند از طریق روی کار آمدن دولتی حاصل

شود که سازمان های قانونی و خدمات عمومی کارآمدتری برای شهروندان فراهم می آورد و فقرا را در تصمیم گیری به ویژه در بُعد محلی مشارکت می دهد. به علاوه، بسیار با اهمیت است که موانع اجتماعی چنین امری همانند تبعیض های نژادی، جنسی، دینی و اجتماعی کنار گذاشته شوند. سازمان های مسئول و پاسخگو نه تنها برای بهره مندی فقرا از منافع رشد اقتصادی ضروری هستند بلکه پایه های رشد اقتصادی را تشکیل می دهند. این ایده در برابر ایده رقیب که قایل به عدم صلاحیت مردم در امر خطیر سیاست هستند به معارضه بر می خیزد. و در صدد است تا در پرتو ایده تفویض کارها به مردم، روابط اعتماد آمیز را اشاعه دهد و پتانسیل فعالیت اجتماعی را مضاعف سازد.

توسعه طبیعت بدون مفهوم آزادی انسان قابل حصول نیست. یعنی وقتی انسان بر دو پایه قدرت عقلانی و تنظیم اراده و خواست، آزادی خود را ظاهر ساخت می تواند در معنایی عینی و انضمامی به طبیعت نیز نظم و نسق و توسعه بخشد. پس توسعه طبیعت و در معنایی دیگر توسعه سیاست مدرن در گرو رهایی و آزادی انسان است. و این رهایی همان گونه که اندیشمندانی چون هابرماس می گویند برخاسته از زمینه های نهادمندی همچون: (۱) آموزش همگانی و بالا بردن سطح دانش عمومی، (۲) مسئولیت پذیری اجتماعی و توسعه حکومت علمی به گونه سازمان یافته در بین آحاد جامعه، (۳) مشارکت عمومی و گسترش حوزه عمومی در برابر حوزه سیاست و اقتصاد و به تبع آن، (۴) نقادی در حوزه سیاست از سوی جامعه توسعه یافته است. چرا که مفاهیم سیاسی نباید در نتیجه تفاوت قدرت بین گویندگان یا طرفین مشارکت کننده (حوزه سیاسی و حوزه مدنی) دستخوش تحریف گردد (هابرماس، ۲۰۰۱: ۱۱۴-۱۱۸).

یک دولت در عین اینکه به عنوان نیروی مستقلی انگاشته می شود، باز هم تمامی منزلت خود را به مردمی باز می گرداند که نماینده آن هاست. گاه ممکن است مردم از منزلت اخلاقی و آماجگی روانی برخوردار نباشد و نتواند هژمونی خود را مستقر و دولت مطلوب را ایجاد کنند. لذا بر روشنفکران است که هر روز جدی تر از قبل، سعی نمایند جامعه توده ای را به والاترین شکل درآورده و به آن ها وسیع ترین آگاهی نسبت به دولت و همچنین حس اعتماد به نفس برای به دستگیری مسئولیت را ارایه دهند. بدین وسیله توده وسیعی از مردم، که قبلاً از لحاظ سیاسی منفعل بودند، به صحنه سیاست گام بر می بردارند. توده ای که در ابتدا از طریق جنبش هایی سازمان نیافته و نابسامان وارد میدان می شدند و فاقد اراده سیاسی مشترک بودند (گرامشی، ۱۳۸۳: ۴۶).

طبق دیدگاه محققان، حکومت ها به تنهایی نمی توانند حکومت کنند بلکه برای اداره امور به دیگران متکی اند. به همین دلیل از پیش مشخص شده است که تنها، بخشی از فعالیت های مختلف

مربوط به زندگی شهری از ابعاد مختلف توسط فرایندها و روابط رسمی تعیین می گردد. فرایندهای تولید، مبادله، تصمیم گیری و اداره کردن بعضاً از طریق فرایندها و روابط غیر رسمی تحقق می یابد و لذا دو گروه از فرایندهای رسمی و غیر رسمی دائماً در کنش و واکنش متقابل اند و عامل اصلی در تداوم این کنش و واکنش ها اعتماد اجتماعی است.

اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی های او را تسهیل می کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه ای خلاق و شکوفا تبدیل می سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند. (Putnam ۱۹۹۳:۸۰)

اعتماد اجتماعی بر روی رشد شتابان اقتصادی، افزایش بازده رونق اقتصادی، فراهم کردن سود عمومی، ایجاد همبستگی اجتماعی و همکاری، هماهنگی، رضایت از سطح زندگی، خرسندی، ثبات دموکراسی و توسعه و حتی تندرستی و افزایش امید به زندگی اثر گذار است (Newton, ۲۰۰۲:۳)

در واقع اعتماد و خودباوری اصلی ترین عامل مؤثر بر فرایند مشارکت عمومی است. در صورت گسترش مشارکت آگاهانه و توأم با اعتماد به نفس مردم، حقوق و تعهدات برابر و متقابل آحاد مردم و دستگاه حکومتی برقرار شده و روابط قدرت از شکل عمومی و یکسویه (از بالا به پایین) تبدیل به همکاری متقابل جامعه و نهاد سیاسی می گردد و به تبع این وضعیت شهروندان در قالب افراد برابر، با یکدیگر مرتبط می شوند.

بدیهی است که ترسیم خطوط چنین جامعه ای با ویژگی مشارکت جویی به معنای نفی نهاد سیاسی، که یکی از نهادهای مهم در هر جامعه جهت نیل به اهداف سیاسی می باشد، نیست، بلکه توجه به این امر است که چنانچه کنش های سیاسی و اجتماعی معطوف به شبکه هایی با میزان «خود بودگی» بالا باشد، که در بین آنها اعتماد به توانمندی خود و دیگران وجود دارد، جامعه مدنی آسان تر به فرصت های متصور نایل می گردد، و حکومت مسئولیت خود را در زمینه سازی برای شکل گیری این خواست انجام می دهد.

هر جا سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، مشارکت و همیاری مردم در صحنه های مختلف جامعه بیشتر و آسیب های اجتماعی کمتر است و در صورت اعتلای توده به وضعیت مطلوب از نظر روحی و روانی، نه تنها از اغتشاش ذهنی بیرون می آیند و خود را مسئولانه در صحنه احساس می کنند، بلکه در کشاکش جامعه مدنی و دولت موضع گیری متعهدانه ای از خود نشان می دهند. از طرفی

حوزه سیاست (دولت) نیز که تاکنون به صورتی مغشوش از وضعیت خود ناآگاه بود به سوی وضعیت آرمانی خود گام بر می دارد.

در صورت وجود اعتماد میان افراد و اجتماعات، روابط میان اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و به طور کلی اعضای جامعه، روابطی مؤثرتر خواهد بود. در حالی که عدم وجود اعتماد با رفتارهایی چون اعمال خشونت، جرم و... همراه است. به ویژه شرط اساسی ایجاد یک جامعه سالم را اعتماد اجتماعی متقابل بین اعضا، مردم و مسئولان می داند. (بهزاد، ۱۳۸۴).

اعتماد در کلیه کنش های انسان، به خصوص در کنش هایی که جهت گیری معطوف به آینده دارند، نمود پیدا می کند. به عقیده کلمن اعتماد «قدرت، عمل کردن را تسهیل می کند» (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

از آنجا که اعتماد، پیش شرط هر تعامل اجتماعی مؤثر محسوب می شود و می تواند تعامل را از فرو غلطیدن در چاه رفتار نا به هنجار باز دارد، باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می شود در چنین شرایطی اعضای جامعه برای حرکت موفقیت آمیز اقتصادی، توسعه سیاسی و مشارکت اجتماعی با احساس امنیت شروع به فعالیت می کنند.

بنابراین می توان در همین مورد به عوامل مؤثر در ایجاد اعتماد و بی اعتمادی در جامعه نظر کرد؛ چرا که هر آنچه ثبات و استحکام وضعیت طبیعی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی هر جامعه ای را ناپایدار و متزلزل کند، امنیت و اعتماد را از مردم آن جامعه می گیرد و در نهایت، فرسایش سرمایه های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

حال اعتماد به طرح هدفمند سازی یارانه ها را می توان سرمایه بی نظیر پنداشت و همواره در این اندیشه بود که تنها، به دست آوردن کافی نیست، مهم نگه داشتن این سرمایه و اعتماد اجتماعی است و جلوگیری از فرسودگی آن ها در دوران گذار جوامع از یک دوره به دوره دیگر است. اعتماد به سیستم طرح هدفمند سازی یارانه ها در میان اقشار جامعه با ابعاد وسیع مشارکت اجتماعی پیوندی تنگاتنگ دارد، و متضمن انواع فعالیت های فردی یا اجتماعی تأثیر گذار بر تصمیم گیری ها و سیاست های دستگاه های عمومی از سطح پایین تا سطوح بالاتر فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری مربوط به امور عمومی و رفاهی است، مخصوصاً در میان قشر مستمری بگیران که از یک طرف تجربه دریافت خدمات رفاهی

و بیمه ای را داشته اند و از طرف دیگر با ورود به مرحله حساس سالمندی، شایسته دریافت خدمات بهتری می باشند.

۱-۳. اهداف تحقیق

اهداف مورد نظر این تحقیق به دو دسته تقسیم می شود:

اهداف اصلی که شامل:

- ۱) بررسی میزان اعتماد اجتماعی مستمری بگیران تأمین اجتماعی شهر تهران به طرح هدفمند کردن یارانه‌ها
- ۲) بررسی عوامل مرتبط با اعتماد اجتماعی در میان مستمری بگیران تأمین اجتماعی شهر تهران نسبت به طرح هدفمندسازی یارانه‌ها

و اهداف فرعی که شامل:

- ۱) ارائه راهکارهای مناسب نسبت به بستر سازی اعتماد در میان قشر بازنشسته و راههای حفظ آن در بستر زمان در موارد دیگر سیاست گذاری های کلان
- ۲) ارائه مدل کاربردی تبیین کننده های اعتماد به طرح هدفمند کردن یارانه‌ها

فصل دوم:

ادبیات نظری تحقیق

مقدمه

تلویزیون پدیده‌ای است که در سالهای اخیر به عضویت اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌های بشری و به عنوان یکی از منابع مهم خبری درآمده است؛ همانطور که در فصل اول نیز گفته شد در این تحقیق به بررسی اعتماد به اخبار این رسانه‌ی جادویی از نگاه مخاطبان پرداخته می‌شود. به همین منظور، این فصل تحت عنوان «ادبیات نظری تحقیق» در شش بخش تعبیه شده است که به بررسی و تشریح مسائل مختلفی به شرح زیر می‌پردازد:

- در بخش اول «دیدگاه‌های نظری و انواع اعتماد» مطرح می‌شود.
- در بخش دوم «تعریف خبر، خبر در تلویزیون و گزینشگری خبر تلویزیونی» مطرح می‌شود.
- در بخش سوم مخاطب‌شناسی، مباحث «مخاطب» و «تاریخچه آن»، «سنت‌های مخاطب‌پژوهی»، «فعالیت‌های مخاطبان»، «فرهنگ توده و مخاطب و تجزیه» مطرح می‌شود.
- در بخش چهارم نظریه‌های تحقیق، مباحث «نظریه وابستگی مخاطبان»، «کارکردهای رسانه‌ها»، «نظریه استفاده و رضامندی»، «تئوری فضای اجتماعی»، «رسانه، دین و سیاست» مطرح می‌شود.
- در بخش پنجم پژوهش‌های پیشین، برخی از تحقیقات داخلی و خارجی مطرح می‌شود.
- در بخش ششم چارچوب نظری، «چارچوب و مدل نظری تحقیق» و «فرضیات تحقیق» مطرح می‌شود.

۲-۱. مروری بر مفاهیم

۲-۱-۱. مفهوم اعتماد

مفهوم اعتماد در طول زندگی انسان و تعامل‌های اجتماعی انسان وجود داشته است. یکی از پرسش‌های علوم اجتماعی این است که، چه چیزی رفتار همکاری را در میان اعضای یک جامعه برمی‌انگیزد و نگهداری می‌کند؟ "باربارا میزتال" (Barbara Misztal) در کتاب "اعتماد در جوامع مدرن" می‌گوید که اعتماد سه نقش اساسی در زندگی اشخاص انجام می‌دهد: «زندگی اجتماعی را قابل پیش بینی می‌سازد، احساس اجتماعی بودن ایجاد می‌کند، و کار کردن اشخاص با یکدیگر را آسان می‌سازد» (P۶۸, ۲۰۰۱).

اعتماد در زبان فارسی به معنای تکیه کردن، متکی شدن به کسی و کاری را بی‌گمان به او سپردن و وا گذاشتن کار به کسی می‌باشد. (عمید ۱۳۶۹، ۹۰۱)

در بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جامعه از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند. از نظر "بورديو" (Bourdieu) در تکوین میدان‌های اجتماعی گوناگون چهار نوع (سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین) لازم است که منجر به پیوندهای ذهنی و عینی بین افراد می‌شود و اعتماد در این پیوندها نقش اساسی دارد (شارع پور، ۱۳۸۰؛ جمشیدیها، ۱۳۸۶: ۲۳).

دو مشکل اساسی در تعریف اعتماد وجود دارد: «نخست اعتماد مفهومی انتزاعی است، و اغلب به طور جایگزینی با مفاهیم مرتبطی همچون اعتبار، قابلیت اعتماد، یا اطمینان به کار رفته است. دوم، مفهومی چند وجهی است که ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری را به هم پیوسته است» (Wang, ۲۰۰۴, P۱۰۸).

"آنتونی گیدنز" در کتاب "پیامدهای مدرنیته" می‌گوید که در تعریف اعتماد باید عناصر زیر را در نظر داشت: ۱- اعتماد به غیبت در زمان و مکان ارتباط دارد که منجر به کمبود اطلاعات می‌شود ۲- اعتماد اساساً نه به مخاطره بلکه به احتمال وابسته است ۳- اعتماد چیزی است که از ایمان به اعتمادپذیری یک شخص یا یک نظام سرچشمه می‌گیرد ۴- اعتماد می‌تواند معطوف به نشانه‌های نمادین یا تخصصی باشد که مبتنی بر ایمان به درستی اصولی است که شخص از آن بی‌خبر است ۵-